

بر سر آن جوی آب رفتند پس آسیابان گفت اینجا فورق آن
 آواز کرد گفت ای محمد کمال تعراب گفت لیلیک یا مادرین
 آسیابان فی الفور در آن آب فورق و پسر زنده پیروز آورد
 پس همه خلافت بخیر شدند **و چنین نهفت** که شیخ حیدر
 رحمه الله علیه الحاکم بود و شیخ سري سقطی از وی سوال
 کرد از حال آن زن پس شیخ حیدر فرمود این راه طریقه
 آنست که این کرامات به نتیجه عقل و معرفه است با حق تعالی و این
 اول مقام اوست و این نقل از کتاب حلیه الاولیاء است
 رسیده حقیقه مناسبت و این برین فصل آوردیم تا فایده معرفه
 به کلمات و غیر آن مجلس رسید آن شایسته **فصل**
هشتم علما و ائمه دین رحمه الله در کتب معتبره
 آورده اند از عجایبهایی که در شرطها واقع شده و این
 جمله یکی **اینست** که در زمان شیخ شهاب الدین شهریه
 رحمه الله علیه در ویشی از صوفیان شیخ شهاب الدین بوده که
 هر روز جمعه سیصد و شصت هزاران شیخ مجلس جمعه

بردی

بردی و از آن هر یکی بجای خود بینداختی تا روز جمعه
 بتجاهها بسجده میکرد و در راه در معراج حقه محراب
 صلی الله علیه و آله تأمل میکرد و ویرا عجب می نمود که در یک لحظه
 حقیقه رساله یناه محراب صلی الله علیه و آله از مکه به بیت المقدس
 و از آنجا از راه هفت روز رسید آسمان گذرانیدند و از سده
 الهی گذشت چنانچه حیرت علیهم السلام از وی باز ماند
 و از آن همه عجایبهای نور گذشت تا بمقام قای قوس رسید
 رسید و چندین هزار کلمه بگوید و بشنود و قضایای امت
 و احکام دین و ملت همه بسازد و در بر اجماع احوال بهشت
 و دوزخ و عجایبهای آسمانها همه معلوم کند و چون باز آید هنوز
 حاضر است او کرم باشد صفتا و سلما که درین سر موی شبهه
 نیست هر چند که این در ویش اعلان یابن داشت آنها در کتب شرط
 آورده اند چون ها و در کمال بود بکنار و شرط رفت تا غسلی کند
 جمعه جمعه که **در حدیث است** که هر کس غسل کند که آن هفته
 از او کلام آید مادام که غان جمعه بخورد پس از ویش بکنار